

۱۰۰. حریفان در پیوند با کسب زمینهای حاصلخیز، در مناطق مختلف و در
و تنوع و پهنای متفاوت و در مناطق مختلف و در مناطق مختلف
و در مناطق مختلف و در مناطق مختلف و در مناطق مختلف
و در مناطق مختلف و در مناطق مختلف و در مناطق مختلف

تابوت تابو

دکتر شیرین افشین نیا

سال ۱۳۶۸ - ۱۹۸۹ (ترکیه - استانبول)

آبهای نیلگون «دریای مرمره»، کناره‌های شنی و ساختمان‌های نمودار «استانبول» را نوازش می‌دهد و آرام به سوی آبهای «دریای سیاه» آغوش می‌گشاید. کف می‌کند و دوباره برمی‌گردد. پرواز مرغان دریایی بر سینه‌ی باریک آبی میان دو دریا، گویی پل می‌زند و دو طرف شهر را به هم پیوند می‌دهد. نیمی از شهر به طرف اروپا و نیمی دیگر به سوی آسیا نشسته است. رستوران «اولدوز» در استانبول کهنه، کنار مرمره، نماد ناب «ترکیه» سنتی است. گلیم، پوستین، ظرف‌های مسی و قلیان نی بلند، روی نیمکت‌های چوبی نمودار.

«سهراب» از لب استکان کمر باریک چای سیاه را می‌مکد، از مزه‌ی گس چای ابروهای پر پشت و مژه‌های سیاهش به هم گره می‌خورند. هیکل بلند و باریکش نیم‌خیز می‌شود و شانه‌های پهنش در تی‌شرت سفید، پهن‌تر به نظر می‌رسند. «شاهگل»، جوان کابلی، در جلیقه‌ی زرشکی تند، نیم‌نگاهی به او می‌افکند و به دریای سبز چشمانش خیره می‌شود که انعکاس آبی دریا، فیروزه‌ای رنگش کرده، رنگ لاجوردی «دریای سیاه».

چندی می‌شود که غروب‌ها بین این دو دریا نشسته‌اند، و به رفت و آمد تندتند، صدای بلند آدم‌ها در رستوران، شهر، حومه، و خیابان‌ها می‌نگرند.